



مسابقات قهرمانی یوکوهاما (ژاپن) سال ۱۹۶۱: ایران قهرمان جهان ایستاده از راست: غلامرضا تختی (طلا)، ابراهیم سیف پور (طلا)، حبیب‌الله بلور (سرمربی)، نشتسته از راست: محمدعلی صنعتکاران (طلا)، امامعلی حبیبی (طلا)، منصور مهدی‌زاده (طلا)، نصرالله سلطانی‌نژاد (نقره) و حمید توکل (برنز).

وداع با کشتی

من این توان و قدرت را داشتم که تا المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی در صحنه کشتی باشم و مدال کسب کنم، اما از بد روزگار حضور چابلسان و آتش بیاران معرکه، اجازه نداد از همه توانم برای افتخار آفرینی بهره‌گیری کنم. در هر سه دوره مسابقات ۱۹۶۶ تولیدو، ۱۹۶۷ دهلی هند و ۱۹۶۸ مکزیکو، توان و قدرت کافی برای حضور در این میادین و کسب مدال را داشتم، اما... وقتی کارگردانان فدراسیون کشتی به فرارهای علنی یعقوبی در مسابقات انتخابی تولیدو خطراتی ندادند، عملاً خود را کنار کشیدم. سیدمحمد خادم سپس به من گفت نتیجه مساوی جدول به پیروزی تبدیل می‌شود تو به مبارزه ادامه بده. من زیربار نرفتم. در رقابت‌های انتخابی بازیهای المپیک در دور اول ۷ بر صفر داریوش ذاکری را شکست دادم و بعد بیماری سراغم آمد و مسوولان مرا به هیچ گرفتند و مجبور شدم کشتی را برای همیشه ترک کنم.

کاراته و جودو

آن زمان که از کشتی به خاطر چابلسی و تملق گویی برخی افراد کنار رفتم، می‌توانستم باز هم قهرمان شوم. من از کشتی کنار رفتم ولی از ورزش هرگز به کاراته و جودو روی آوردم و در این رشته نیز به توفیق‌هایی رسیدم و استاد شدم.

سرمربی شدم

بعد از حوادث تلخ شکست کشتی در المپیک مونیخ، سیدمحمد خادم مرا به همکاری دعوت کرد. من نیز باید در کنار امامعلی حبیبی و منصور مهدی‌زاده عهده‌دار هدایت تیم ملی می‌شدیم، اما حبیبی نیامد و من و مهدی‌زاده دست به همکاری دادیم. حاصل کار ما دو نفر بعد از المپیک و پس از محرومیت ابدی محمد قربانی، سیدعباسی و عبدالله موحد، نایب قهرمانی بود. سه مدال طلای جوادی، فرموشی و برزگر و تک مدال برنز محمدرضا نوایی تیم ایران را در رتبه دوم جهان قرار داد. ولی عمر همکاری من و دوست عزیزم منصور مهدی‌زاده طولانی نبود و من از کشتی و رهبری تیم ملی کناره گرفتم تا اینکه دکتر محمد توکل سرخ هدایت کشتی را به دست گرفت و من به تنهایی مامور هدایت کشتی شدم و در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ در المپیک‌های مونترال و... با توفیق همراه نبودم.



صنعتکاران: طی مبارزات جهانی خود با کشتی‌گیران معروف، فقط دو بار مغلوب شدم. در مقابل ۱۸ پیروزی نصیب من شد. با پیروزی بر سیناویسکی در یوکوهاما برای همیشه پرنده او را بستم.

جام تختی

جام کشتی شادروان تختی را راه‌اندازی کردم. برپایی جام مرحوم زنده یاد تختی از مهم‌ترین کارهایم در فدراسیون کشتی بود. زنده کردن نام تختی بزرگ بعد از آن سالهای فراموشی برایم فوق‌العاده با ارزش بود. در سال ۱۳۵۸ وقتی دست‌اندرکاران و اهل کشتی به من رأی دادند تا رئیس فدراسیون شوم، برایم افتخاری بزرگ بود، ولی افسوس که شرایط زمانی یار و یاورم نبود که کشتی را در بستر حقیقی‌اش قرار دهم. تمام تلاش‌م برای حضور در مسابقات جهانی ۱۹۷۹ سانتیاگو و المپیک مسکو بود که به واسطه روزهای طولانی انقلاب و هجوم روسها به افغانستان به جایی نرسید و کشتی‌گیران بزرگ ما انگیزه‌های لازم را نداشتند، بنابراین جای خود را به محمد خرمی سپردم.

بهترین دوران

بهترین دوران کشتی ما همان سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۶ میلادی بود که ایران قدرت اول کشتی جهان لقب گرفت، چرا که در سال ۱۹۶۱ توانستیم با دریافت ۵ مدال طلا، قهرمان جهان شویم و این رکورد هنوز پس از سالها شکسته نشده است و این تاریخ درخشانی بود در ورزش ایران. امروز کشتی ما مظلوم واقع شده، بارها در همین چند سال اخیر نوجوانان و جوانان ما در آسیا و جهان مقام آوردند، اما صدا و سیمای کشورمان تنها با خواندن خبر از کنار این موفقیت‌ها گذشت. به نظر من رسانه‌های گروهی برای ارتقای ورزش بسیار موثر است. فراموش نکنیم که کشتی، ورزش ملی کشور ماست و باید بیشتر برایش تبلیغ کنیم.

فوتبال، کشتی را زمین زده است

کشتی ایران سابقه دیرینه‌ای دارد و امروز در میان دیگر ورزشها مظلوم‌ترین واقع شده و در سایه فوتبال قرار گرفته است. کشتی پرافتخارترین و مدال‌آورترین ورزش ایران در مسابقات جهانی قهرمانی جهان و بازیهای المپیک است، اما در هیچ دوره‌ای به آن اهمیت لازم داده نشده است. کشتی در طول تاریخ ۶۰ ساله ورزش ایران، چورکش سایر ورزش‌ها در جهان و بازیهای المپیک بوده و بیشترین افتخارات را برای ورزش این کشور به ارمغان آورده است و جالب است بدانید که بودجه فدراسیون کشتی با تمام مدالهای طلا و نقره و برنز و سکوهای جهانی و افتخارات بسیار، به اندازه بودجه یک باشگاه دولتی فوتبال کشورمان نیست.

کشتی امروز ایران

برای پشتوانه‌سازی تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران و در اختیار گرفتن حداقل ۴۰ کشتی‌گیر جوان در رشته آزاد و ۴۰ نفر در رشته فرنگی با کمبود جا و روبرو هستیم. البته فدراسیون در تلاش است همچون روسها در هر وزن حداقل پنج کشتی‌گیر یکسان و هم‌تراز برای تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی داشته باشد، اما با کمبود و نداشتن اردوی مناسب و سالن محل تمرینات این کار تقریباً ممکن نیست. یکی از آرزوهای بزرگ من به عنوان پیشکسوت کشتی، نایب رئیس فدراسیون و مدیر فنی تیم‌های ملی کشتی ایران این است که کشتی در ایران دارای چند اردوگاه ویژه و مخصوص به خود با امکانات مجهز همچون خانه کشتی مجموعه ورزشی آزادی در تهران و چند شهر دیگر شود.

خیرالله شاهین ترک و... حضور داشتند و همه زیر دست سیناویسکی قرار گرفتیم. البته من و مصطفی تاجیک اوت شدیم و سیناویسکی و ولجف بلغاری اول و دوم شدند. ولجف بلغاری که روزی مغلوب من شده بود، روی سکوی دومی قرار گرفت و من که همه ۶۷ کیلوگی‌ها را دید زده بودم، امیدوار شدم که می‌توانم قهرمان جهان شوم. تیم ملی ایران در آن روزها از مقام سومی به چهارمی نزول کرد و من خوب زیر و بم کشتی سیناویسکی را دیدم که او چه کار می‌کند که حرفانش همه مغلوب او می‌شوند.

طلای گمشده پیدا شد

وقتی مسابقات کشتی ۱۹۶۱ یوکوهاما ژاپن فرا رسید، هیچ کس روی من حساب باز نمی‌کرد. قبل از مسابقه‌ها شادروان تختی به من گفت سعی کن خودت باشی، تحت تاثیر هیچ چیز قرار نگیر و به یاد زحمات و تلاشهای خود باش. در اوایل مسابقه‌ها، حریفانی از کشورهای اندونزی و فرانسه را با ضربه فنی شکست دادم. سپس سراغ سیناویسکی روس، که قهرمان سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ جهان بود، رفتم. در این مسابقه بزرگ که بسیار بر من سخت گذشت و حریف روس قلدر می‌نمود، دو بر یک او را شکست دادم و وقتی از تشک بیرون آمدم همه روی سرم ریختند و در آن حال مصطفی داغستانلی قهرمان جهان به پشتم زد و گفت «برنجی مدال» یعنی مدال طلا مال توست. من در دو مسابقه بعدی ام با کشتی‌گیران ژاپن و هند مساوی کردم، یعنی برد و مدال طلای گمشده حبیبی پس از ۵ سال باز هم به ایران رسید.

تادقیقه نود...

در منچستر (۱۹۶۵) انگلستان، با مربیگری نبی سروری مقابل کشتی‌گیران آن روزگار به مدال نقره رسیدم. تیم ما بعد از نمایش خارق‌العاده مرحوم محمدعلی فرخیان مقابل الکان تدیف روسی به قهرمانی رسید. کسب سه مدال طلا، دو نقره دلیل بزرگ قهرمانی بودند و من که زودتر از حریف روسی مبارزاتم تمام شده بود، درست تا دقیقه ۹۰ قهرمان جهان بودم، اما وقتی مبارزه و اتانابه ژاپنی و ساکارادزه روسی یک بر صفر به سود حریف ژاپنی بود، سپس ساکارادزه دست به حمله زد و حریف را در منگنه حملات خود قرار داد و با اجرای بارانداز سند قهرمانی‌اش را امضا کرد. مدال طلا این بار هم از کف من پرید و بر سینه ساکارادزه نشست و من سومین مدال قهرمانی حیات خود را (نقره) فتح کردم.